

بررسی تغییرات تورم در ایران و عوامل و راهکار های مقابله با آن در ایران

یعقوب انصاری^۱، فرشته شاکریان^{۲*}، نرگس ملک حسینی^۳ و نرگس نجات بخش^۴

۱استادیار، دانشکده علوم انسانی، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

۲دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی (گرایش مالی)، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی

۳دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی (گرایش مالی)، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

۴دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی (گرایش مالی)، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

*نویسنده مسئول: fereshtehshakerian@gmail.com

چکیده

اقتصاد ایران طی سالهای گذشته همواره در معرض نرخ تورم بالا بوده است. در حال حاضر تحلیل تورم و پیش بینی روند تحولات آن در آینده، از مهمترین دل مشغولی های دولت تدبیر و امید می باشد و جهت پایین آوردن یا ایجاد ثبات در میزان تورم یک نوع همبستگی و اتفاق نظر وجود دارد و تمام تلاشها به این ختم می گردد که در چنین وضعیت تورمی بالا باید در جستجوی دو راه حل کوتاه مدت و بلند مدت بود که در نظر نگرفتن هر کدام آسیب هایی به بدنه اقتصادی وارد خواهد نمود. در این مقاله به مدیریت نقدینگی، عوامل تورم، اقدامات انجام شده در کنترل تورم، متغیر های تاثیرگذار تورم پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: تورم، مدیریت نقدینگی، دلایل تورم، روش های مقابله با تورم

۱- مقدمه

تورم یکی از موضوعات مهم در کشور ماست. همانگونه که می‌دانید در ایران درصد تورم در سالهای اخیر بسیار زیاد بوده است به طوری قیمت‌ها در هر سال بسیار افزایش یافته و قدرت خرید مردم کم شده است. یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد کلان، تورم است. تعیین و مدیریت این شاخص به قدری مهم می‌باشد که بسیاری از کشورها آن را ضامن توسعه یافتگی، پیشرفت و رشد اقتصاد خود دانسته و ثبات اقتصادی خود را در گرو تثبیت این نرخ می‌پندارند، لذا سعی می‌کنند تا از هر طریق ممکن به این مهم نائل آیند (جفره و همکاران، ۱۳۹۱).

امروزه تورم به عنوان یکی از معضلاتی که گه‌گاه‌گریبانگیر جوامع بشری شده و دارای عوارض اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گسترده‌ای می‌باشد مطرح است. در ادبیات اقتصادی منظور از تورم، افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست که غالباً حالتی مداوم و برگشت‌ناپذیر دارد. افزایش نااطمینانی در فعالیت‌های اقتصادی، محدود شدن رشد سرمایه‌گذاری، اختلال در تخصیص بهینه منابع اقتصادی و بازتوزیع غیربهبوده و ناعادلانه آنها تنها بخشی از مضرات و هزینه‌های تورم بالا محسوب می‌شوند. در حالی که کشورهای توسعه یافته با اجرای سیاست‌های پولی و مالی کارا و بهبود ساختارهای اقتصادی خود اغلب در کنترل تورم موفق بوده‌اند، ایران و تعدادی دیگر از کشورهای در حال توسعه هنوز در این زمینه به نتایج مطلوب نرسیده‌اند اقتصاد ایران طی سالهای گذشته همواره در معرض نرخ تورم بالا بوده است، اما علیرغم کاهش نسبی تورم در سال‌های منتهی به ۱۳۸۹ پس از اجرای برنامه هدفمندسازی یارانه‌ها و نیز گسترش بی‌سابقه تحریم‌های بین‌المللی بر بخش‌های مختلف اقتصاد ایران، کمبود منابع ارزی ناشی از اعمال محدودیت‌های مالی و مبادلاتی اعمال شده بر کشور و رشد قابل ملاحظه نرخ ارز و به تبع آن افزایش هزینه تمام شده تولید در کشور نرخ تورم مجدداً افزایش یافته است (عظیمی، ۱۳۹۲).

مطالعات گسترده انجام شده در زمینه تورم در مراکز علمی و دانشگاهی، همواره متأثر از مکاتب مختلف در حیطه علم اقتصاد بوده است. این تفاوت در اندیشه، ایجادکننده نگرشهای مختلفی در تحلیل ماهیت تورم و علل بروز آن است. از یک دیدگاه، تورم به دلیل وجود عوامل حاصل از فشار تقاضا و بالا بودن تقاضای کل جامعه در مقایسه با عرضه کل اقتصاد ایجاد می‌شود و در نگرش دیگری، عدم کشش‌پذیری عرضه اقتصاد به دلیل وجود مشکلات ساختاری و نهادی موجبات افزایش قیمت‌ها را فراهم می‌کند. دیدگاه دیگری نیز منشاء تورم را حاصل از فشار هزینه‌ها می‌داند. در سیر تکامل نگرشهای نظری پیرامون تورم، می‌توان شکل‌گیری انتظارات عقلایی در پیش‌بینی تورم را در کنار سایر پدیده‌ها حائز اهمیت دانست (جهانی‌راینی و همکاران، ۱۳۸۶).

تعریف تورم

در تعریفی ساده، تعریف عبارت است از، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره زمانی معین. براین اساس، تقسیم تورم به انواع گوناگون (ضعیف، متوسط، شدید یا افسارگسیخته) چنانچه در ادبیات اقتصادی مطرح است، در واقع ذکر مصادیق آن است، وگرنه همه در ماهیت (افزایش سطح عمومی قیمت‌ها) یکسان هستند.

در خصوص دلایل تورم در اقتصاد ایران مطالعات گسترده‌ای صورت گرفته است، که در یک نگاه اجمالی عوامل اصلی تورم بیان می‌شود:

تورم ناشی از فشار تقاضا

این نوع از تورم، در نتیجه بروز فشارهای ناشی از اضافه تقاضا در بازار پدید می‌آید. این نوع تورم که اولین بار توسط کلاسیک‌ها و کینزین‌ها در دو قالب کاملاً متفاوت مطرح شد، علت اصلی تورم را فشاری می‌داند که از طریق بخش تقاضای اقتصاد و فزونی آن نسبت به عرضه، بر سطح قیمت‌ها وارد می‌شود. البته از آنجایی که بخش تقاضای اقتصاد متشکل از دو بازار پول و کالا است، مشخص می‌شود که این نوع تورم میتواند یا از طریق اثرات وارده از سوی بازار پولی و یا از طریق فشارهای وارده از سوی بازار کالایی بر سطح قیمت‌ها پدید

آید در دیدگاه اول که تورم را پدیده ای ناشی از افزایش عرضه پول می داند، راه کار مقابله، محدود کردن افزایش عرضه پول است در حالی که در دیدگاه دوم، اضافه تقاضا نسبت به عرضه به عنوان عامل بروز تورم در نظر گرفته می شود و لذا راه کار مهار تورم به صورت سیاست های مالی انقباضی، همچون کاهش مخارج دولت، افزایش نرخ مالیات بر درآمد و.... عنوان می شود (جفره و همکاران، ۱۳۹۱).

تورم ناشی از فشار هزینه

بر خلاف نظریه فشار تقاضا، که در آن تورم از انتقال تقاضای کل اقتصاد به سمت راست ناشی می شود، در نظریه فشار هزینه، افزایش هزینه تولید و انتقال منحنی عرضه کل به سمت چپ و بالا، علت اصلی افزایش قیمت هاست. این نظریه، برخلاف نظریه فشار تقاضا، قادر به توضیح پدیده تورم رکودی است و آن را معلول افزایش هزینه های تولید و انتقال منحنی عرضه کل می داند. افزایش هزینه ها ناشی از افزایش دستمزدها و یا افزایش قیمت مواد اولیه، قیمت انرژی و سایر عوامل تولید و همچنین عواملی مانند کاهش تولید. نهایی عامل کار و مواردی از این قبیل است. هرچه افزایش هزینه شدیدتر باشد جابجایی منحنی عرضه کل به سمت بالا نیز شدیدتر و در نتیجه افزایش سطح عمومی قیمتتها نیز بیشتر خواهد بود (جفره و همکاران، ۱۳۹۱).

تورم ساختاری

ساختار غیر رقابتی بازارها و وجود انحصار و انگیزه برای افزایش حاشیه سود، وابستگی تولید به واردات نهاده ها و تورم وارداتی، انگیزه های سیاسی، انگیزه کسب درآمد توسط دولت، نرخ بیکاری بالا و اولویت دولتها برای ایجاد اشتغال و نابسامانی در تراز پرداختها و در نتیجه توسل به کاهش ارزش پول و کشش ناپذیری عرضه، از جمله دلایل ساختاری برای بروز تورم و تداوم آن در کشورهای در حال توسعه می باشند (جفره و همکاران، ۱۳۹۱).

مدیریت نقدینگی:

مدیریت نقدینگی به معنی توانایی بانک برای ایفای تعهدات مالی خود در طول زمان است. مدیریت نقدینگی در سطوح مختلفی صورت می گیرد. اولین نوع مدیریت نقدینگی بصورت روزانه صورت پذیرفته و به صورت متناوب نقدینگی مورد نیاز در روزهای آتی پیش بینی می شود. دومین نوع مدیریت نقدینگی که مبتنی بر مدیریت جریان نقدینگی است، نقدینگی مورد نیاز را برای فواصل طولانی تر شش ماهه تا دو ساله پیش بینی می کند. سومین نوع مدیریت نقدینگی به بررسی نقدینگی مورد نیاز بانک در شرایط بحرانی می پردازد. ریسک نقدینگی خطرات ناشی از کمبود نقدینگی در یک بازه زمانی پیش رو را شامل می شود. (پناهیان، ۱۳۸۲، ص ۵۱).

در واقع باتوجه به اینکه کمبود نقدینگی در یک بانک می تواند پیامدهای گسترده سیستمی دربر داشته باشد، اهمیت نقدینگی برای هر بانک و برای هر موضوع دیگری است. از این رو، تجزیه و تحلیل نقدینگی نه فقط مدیریت بانک را ملزم می کند وضعیت نقدینگی بانک را بطور مستمر ارزیابی کند بلکه وی را وادار می کند که بررسی نماید تامین نیازهای نقد، تحت سناریوهای متفاوت، از جمله در شرایط نامطلوب، چگونه امکان پذیر است. مدیریت نقدینگی یکی از بزرگترین چالشهایی است که سیستم بانکداری با آن روبرو است. دلیل اصلی این چالش این است که بیشتر منابع بانکها از محل سپرده های کوتاه مدت تامین مالی می شود. علاوه بر این تسهیلات اعطایی بانکها صرف سرمایه گذاری در داریهایی می شود که درجه نقدشوندگی نسبتاً پایینی دارند (رسولی زاده، ۱۳۸۴).

قواعد ساده سیاست پولی و مالی بهینه برای اقتصاد ایران

تجربه سالهای اخیر اقتصاد ایران نشان داده که سیاستهای پولی صلاح دیدی با افزایش رشد حجم نقدینگی، بیش از آنکه بر بخش واقعی اقتصاد و رشد اقتصادی کشور موثر باشد باعث افزایش سطح عمومی قیمتها شده است. در سوی دیگر سیاست-

های مالی دولت نیز چندان موثر واقع نشده‌اند و تنها کسری بودجه‌های دولت منجر به تغییر در دو جز مهم پایه پولی یعنی بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی و خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و در نتیجه افزایش رشد حجم نقدینگی و سطح عمومی قیمت‌ها شده است. بالا بودن میانگین تورم و نوسانات آن، به عنوان دو شاخص بی‌ثباتی اقتصاد، از ویژگی‌های مهم روند تورم در این سال‌هاست. ویژگی که اثرات زیان‌باری را برای اقتصاد کشور به همراه داشته و با ترسیم فضای نااطمینانی و بی‌ثباتی منجر به تخریب فضای کسب و کار و ایجاد عدم اطمینان از آینده برای کارگزاران اقتصادی شده است. (قربان‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴) از سوی دیگر مطالعات تجربی پایداری تورم در اقتصاد ایران را اثبات می‌کند. رشد اقتصادی نیز در این سال‌ها همواره با نوسان مواجه بوده و بویژه در سال‌های اخیر که با افت نیز مواجه بوده است. (درگاهی، شربت اوغلی (۱۳۸۹)

مطالعات تجربی در ایران و متغیرهای تأثیرگذار بر تورم

در خصوص تورم در ایران مطالعات متعددی صورت گرفته است. برخی مطالعات رشد بیرویه نقدینگی، برخی فشار هزینه و برخی عوامل ساختاری و... را منشأ اصلی بروز تورم در اقتصاد ایران معرفی نموده‌اند. در ذیل به اختصار برخی مطالعات انجام شده در سال‌های گذشته در زمینه علل و دلایل تورم در ایران مرور می‌گردد. مطالعه کازرونی و اصغری (۱۳۸۱) با هدف آزمون سازگاری مدل تورم پولگرایان به همراه انتظارات عقلایی با ویژگیهای اقتصاد ایران و یافتن رابطه متغیرهای رشد عرضه پول و تورم در چارچوب پایه‌های نظری برای اقتصاد ایران انجام گردیده است. در این بررسی قیمت تابعی از حجم نقدینگی و یک متغیر مجازی برای انقلاب در نظر گرفته شده است. به اختصار در این بررسی نتیجه گرفته می‌شود که تورم و رشد پول همگرا هستند و در بلندمدت یک درصد افزایش در رشد پول منجر به رشد قیمت به میزان ۰/۹ درصد می‌گردد. در مطالعات یزدی و همکاران (۱۳۸۹) مدیریت نقدینگی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی است که سیستم بانکداری با آن روبروست. دلیل اصلی این چالش این است که بیشتر منابع بانک‌ها از محل سپرده‌های کوتاه مدت تامین مالی می‌شود. علاوه بر این تسهیلات اعطایی بانک‌ها صرف سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی می‌شود که درجه نقدشوندگی به نسبت پایینی دارند (رستمیان و حاجی بابایی، ۱۳۸۸). از نگاهی دیگر، نقدینگی خاصیتی از دارایی‌ها است که به زمان و هزینه تبدیل آن‌ها به پول بستگی دارد. به عبارتی، هزینه مبادله یک دارایی با پول، معیاری برای سنجش نقدینگی آن دارایی است (فرجی، ۱۳۸۲)

روش‌های مبارزه با تورم

بطور کلی سه روش عمده برای مقابله تورم در ادبیات اقتصاد مطرح است.

الف: روش مبارزه با عوامل

ب: روش مبارزه با آثار تورم

ج: روش مبارزه با خود تورم

در روش اول با شناسایی عوامل تورم کوشش می‌شود که آن عوامل، برطرف یا تضعیف شوند و بدین سان جلو گسترش تورم گرفته شود. در حالت دوم مدیران و سیاست‌گذاران با استفاده از روش‌هایی چون پرداخت یارانه‌ها تاسیس و گسترش انواع بیمه‌ها مثل بیمه بیکاری، تامین اجتماعی و غیره، و کمک به قشرهایی که از تورم آسیب می‌بینند، به مبارزه با آثار تورم می‌پردازند. در روش سوم برنامه مبارزه با خود تورم است. این کار بطور معمول با نرخ گذاری روی کالاها و خدمات صورت می‌گیرد، این میزان توفیق و تاثیر و اولویت یا عدم اولویت هر یک از این سه روش به بحث بیشتری نیاز دارد، اگرچه بنظر می‌رسد مبارزه با عوامل تورم بر بقیه موارد اولویت دارد، یعنی باید الگوی توسعه به گونه‌ای باشد که شرایط را برای تحقق توسعه بدون تورم فراهم کند.

رویکردهای دولت در مقابله با تورم

در مقاله ای از جهانی راینی و همکاران (۱۳۸۶)، بیان می‌کند برای اتخاذ اهداف رشد و ایجاد اشتغال توسط دولت که فراتر از رویکرد کلی برنامه سوم توسعه تعیین شد و از طریق اصلاح مکرر ماده ۶۰ قانون برنامه و تزریق منابع حساب ذخیره ارزی به اقتصاد دنبال گردید، رفته رفته آثار خود را بر شاخص‌های قیمت نمایان کرد. دولت در راستای کاهش آثار تورمی طی این دوره اقدامات و سیاست‌های بازدارنده زیر را اتخاذ نمود که در صورت عدم پیگیری آن رشد نقدینگی و سطح عمومی قیمت‌ها می‌توانست به مراتب بیش از این باشد:

- پیگیری سیاست‌های آزادسازی تجاری که به رشد قابل ملاحظه واردات منجر شد و از تأثیر قابل توجهی بر مهار آثار کوتاه مدت رشد نقدینگی برخوردار بود.

- سیاست‌های دولت مبنی بر کاهش قیمت‌ها در حد امکان، حداقل افزایش قیمت‌ها در موارد ضروری و نظارت بر قیمت سایر کالاهای خارج از کنترل دولت.

- فروش اوراق مشارکت توسط بانک مرکزی و بالابردن نرخ سپرده و یژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی که در مهار و کنترل نقدینگی نقش جدی ایفا کرد.

- خرید اوراق مشارکت توسط بانک‌های خصوصی و اعطای مجوز به بانک‌های دولتی برای خرید این اوراق.

- اجرای ساز و کار جدید قیمتی بورس اوراق بهادار) رشد شاخص‌های قیمت در بورس در شاخص تورم محاسبه نمی‌شود و لی به عنوان یکی از متغیرهایی که در افزایش نرخ تورم واقعی در جامعه مؤثر است قابل تحلیل میباشد

- روان سازی فروش ارز از طریق ایجاد بازار ارز بین بانکی که به تسهیل فرآیند واردات و جلوگیری از رشد خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی انجامید. این ساز و کار نقش مؤثری در روانسازی واردات ایفا کرد.

- تلاش برای نظام مند کردن بازار غیرمتشکل پولی با تأکید بر نظارت بر فعالیت صندوق‌های قرض الحسنه و تصویب قانون این بازار به همراه آئین نامه های آن.

اقدامات انجام شده در جهت مهار تورم طی سالهای (1390 - 1391)

در پی افزایش نرخ تورم از سه ماهه چهارم سال 1389 به بعد اقداماتی از سوی دولت برای مهار یا جبران صورت گرفته است. در اجرای برنامه هدفمندسازی یارانه‌ها بازتوزیع منابع یارانه‌های به صورت مستقیم به خانوارها و همچنین اتکا به برنامه نظارت بر قیمت‌ها و انضباط بخشی به سیاست پولی سه سیاست اصلی دولت بود (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۲)

از مشکلات دائمی در اقتصاد ایران، تورم دورقمی در طی چند دهه‌ی پیاپی است، در حالی که بیش از نود درصد کشورهای دنیا در حال حاضر تورم تک‌رقمی دارند. عامل تورم اگر ناشی از افزایش تقاضا باشد، به دلیل افزایش عرضه پول و رشد نقدینگی و یا کسری بودجه و رشد مخارج دولتی رخ می‌دهد. اگر تورم ناشی از فشار هزینه باشد، به دلیل تکانه‌های طرف عرضه، افزایش دستمزد و کاهش بهره‌وری، کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت عوامل تولید ایجاد می‌شود. تورم ساختاری نیز به دلیل بازارهای غیررقابتی و فشار سود، تورم وارداتی، انگیزه‌های درآمدی دولت، انحصارات، محدودیت ظرفیت‌های تولیدی، درون‌زا نبودن تکنولوژی‌های تولیدی و تنگناهای مالی واحدهای تولیدی در اقتصاد نمایان می‌شود. (مدیریت تورم و استراتژی‌های مهار آن در ایران و جهان، شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ص ۱۷)

تورم یکی از مهمترین مسائل اقتصادی برخی کشورها از جمله ایران بوده است. تورم پدیده‌های پیچیده است که آثار منفی آن بر تغییر رفتار تولیدکنندگان مصرف‌کنندگان، در نهایت منجر به بروز مشکلاتی در اقتصاد میشود.

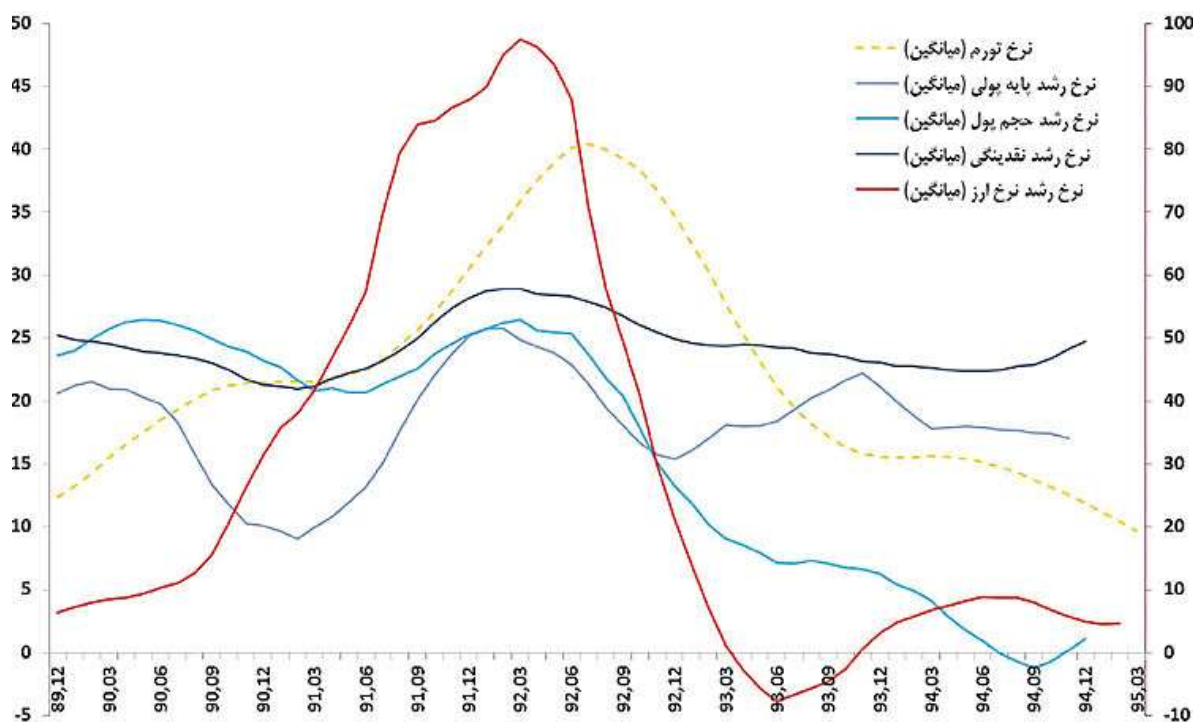
حمید زنگنه استاد اقتصاد دانشگاه وایدنر بر این باور است که نفت یکی از علل عقب ماندگی اقتصادی ایران است و یکی از خانمان سوزترین نتایج افزایش درآمد نفت: تزریق منابع مالی بی ملاحظه در اقتصاد ملی و ایجاد تورم است. وی تنها راه کنترل تورم را کنترل نقدینگی می‌داند. وی بیان می‌کند:

- مردم به این زودیهها از حل مشکلات اقتصادی مأیوس نشوند
- مشکلات اقتصادی یک شبه به وجود نیامده که یک شبه از بین برود
- نفت یکی از علل عقب ماندگی اقتصادی ایران است
- کشف طلا در آمریکا به رکود اقتصادی منجر شد

تورم نیمسال ۹۵

با انتشار آمارهای بانک مرکزی در پایان شهریور می‌توان روند تورم در نیمسال نخست سال جاری را با مدت زمان مشابه در سال‌های قبل بررسی کرد. مطابق بررسی‌ها شاخص بهای مصرف‌کننده در نیمه نخست سال جاری ۵/۲ درصد رشد کرده است، این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل عددبیشتری بود، زیرا در نیمسال نخست سال ۹۴، رشد شاخص بهای مصرف‌کننده ۱/۴ درصد بوده است. البته تورم نیمسال نخست سال ۹۵، نسبت به مدت مشابه در سال‌های ۹۲ و ۹۳ کمتر بوده است. اختلاف نظری که می‌تواند سیاست‌گذار اقتصادی را برسر دوراهی قرار دهد.

آمارهای بانک مرکزی، رشد شاخص مصرف‌کننده در نیمسال نخست سال ۹۲ معادل ۱۳/۳ درصد و در نیم سال نخست سال ۹۳ معادل ۸/۳ درصد بوده است. این آمار گویای این مطلب است که در سال ۹۴، روند کنترل تورم بهتر از سال‌های قبل از آن و سال ۹۵ بوده است. البته سیاست‌های به کار گرفته شده در دو سال ۹۲ و ۹۳، بیشتر در جهت کاهش نرخ تورم از بیشترین سطح در یک دهه گذشته بود، به همین دلیل ارقام تورم در سطح بالاتری قرار دارد



نتیجه گیری و بحث:

رابطه بین متغیرهای پولی و تورم همواره مورد توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران اقتصادی بوده است. اگرچه افزایش نقدینگی یکی از عوامل مهم در ایجاد و استمرار تورم قیمت‌ها است. آمارهای بانک مرکزی، حاکی از نزول نرخ تورم سالانه به زیر ۲۱ درصد می‌باشد، برای کاهش نرخ تورم نیازمند بازنگری اساسی در استقلال بانک مرکزی و سیاست‌های پولی و مالی باشد. در غیر اینصورت و با توجه به برخی آمارهای رشد متغیرهای پولی در ماه‌های اخیر به نظر می‌رسد با تداوم این روند، امکان نیل به هدف تورم تک رقمی در کوتاه مدت دور از دسترس باشد.

منابع

- ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- ۲- پناهیان، حسین، (۱۳۸۲). کاربرد ارزش افزوده اقتصادی در تصمیم گیری مالی. نشریه سرمایه، سال سوم، شماره سوم
- ۳- جفره، منوچهر، داشگرزاده، خدابخش، عقباتی، محمد، (۱۳۹۱). بررسی روند کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی و نقش آن بر شاخص تورم در ایران طی سالهای ۸۶-۱۳۷۵ و ارائه الگوی مناسب برای مدیریت و کنترل آن. فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره (۱۴)، تابستان
- ۴- جهانی راینی پروانه، السادات میری اشرف، تقی زاده خدیجه، پورحسینی بنفشه و آهمند نجم الدین، ۱۳۸۶، روند نرخ تورم طی سالهای اخیر، علت شناسی و ارائه راهکارهای اجرایی مقابله با آن..
- ۵- درگاهی، حسن، شربت اوغلی، کبری (۱۳۸۹). "قاعده بهینه سیاست پولی در شرایط تورمی اقتصاد ایران با استفاده از تئوری کنترل بهینه"؛ مجله تحقیقات اقتصادی؛ شماره ۸۸
- ۶- رستمیان، فروغ، حاجی بابایی، فاطمه، (۱۳۸۸). "اندازه گیری ریسک نقدینگی بانک با استفاده از مدل ارزش در معرض خطر (مطالعه موردی: بانک سامان)" پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، تهران، ص ۱۷۵-۱۹۸.
- ۷- عرب مازاریزی، محمد، باغومیان، رافیک، کاکه خانی، فرزانه، (۱۳۸۹). بررسی رابطه میان ترکیب دارایی-بدهی و ریسک نقدینگی بانکها در ایران
- ۸- عظیمی، سیدرضا، میریطامه، اشرف سادات، تقی زاده خدیجه، صمدی رضا، (۱۳۹۱). بررسی روند و علل تورم در ایران در سالهای (۱۳۸۹ - ۱۳۹۱) و اقدامات صورت گرفته برای مهار آن
- ۹- قربان نژاد، مجتبی، فرازمنند، حسن، پورجوان، عبدالله، (۱۳۹۴). تعیین قواعد سیاست پولی و مالی بهینه در اقتصاد ایران
- ۱۰- فرجی، یوسف، (۱۳۸۲)، آشنایی با ابزارها و نهادهای پولی و مالی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- ۱۱- فصلنامه سیاستهای مالی و اقتصادی، سال یکم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲، صفحات ۲۵ - ۵۸
- ۱۲- کازرونی، علیرضا. اصغری، برات (۱۳۸۱). آزمون کلاسیک تورم در ایران: روش همگرایی"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۳
- ۱۳- محمدیان، الهام، ۱۳۹۴، بررسی تاثیر نرخ ارز، تورم و تولید ناخالص داخلی بر صادرات غیر نفتی ایران. کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی، شیراز، مرکز توسعه آموزش های نوین ایران (متانا).
- ۱۴- مدیریت تورم و استراتژی های مهار آن در ایران و جهان، شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ص ۱۷